

رونمایی از پوستر نمایش «چه کسی سهراب را کشت؟»

فرهنگی و هنری

توصیه‌های قباد شیوا، علیرضا تغابنی و بهرام دبیری به شهردار تهران؛ تهران شهر بچه‌های گرسنه، بیمار و زباله‌گرد

مختلف گفته‌ام، این است که تمام کشورهای دنیا، موزه پوستر دارند؛ به خصوص در پایتخت‌شان. تهران به این بزرگی با این همه طراحان خوب، ما هیچ موزه‌ای برای نمایش پوسترهای زمان انقلاب، و قبل از انقلابش نداریم. باید موزه‌ای باشد که از بین این پوسترها، خوب‌هایش را جدا کند؛ تا در معرض دید دانشجویها قرار بگیرد و در تاریخ گرافیک این مملکت محفوظ بماند. همه پایتخت‌های دنیا، موزه پوستر دارند. مرکز اسناد ملی، کلی پوسترهای قدیمی دارد. حتی پوسترهایی مربوط به دوره قبل از زمانی که چیزی به اسم گرافیک در این مملکت با بگیرد، در مرکز اسناد، کلی ما اعلامیه داریم که می‌توان از آن‌ها به عنوان پوسترهای اولیه یاد کرد. ما باید یک موزه پوستر داشته باشیم که سالن‌هایی برای پوسترهای انقلاب، برای مشاهیر گرافیک ایران، برای پوسترهای نسل جوان و ... داشته باشد. درواقع اول بایستی مکانی برای این موزه درنظر گرفته شود، و آرشئو آن گردآوری شود تا بعد درباره مسائل جزئی‌ترش بتوان صحبت کرد.



گرافیک ایران هیچ موزه‌ای ندارد. / ابتدا باید مسئله فساد در شهرداری حل شود تا قوانین اول درست اجرا شود، و دوم اصلاح قوانین صورت بگیرد تا شهر از مشکلاتی که دارد، بیرون بیاید. / باور نمی‌کنم که شهرداری هنوز، یک راهکار منطقی و اصولی برای جمع‌آوری و تفکیک زباله پیدا نکرده است.

قباد شیوا (گرافیست)، علیرضا تغابنی (معمار) و بهرام دبیری (نقاش) انتقادات، پیشنهادات و توصیه‌هایشان را در گفتگو با خبرنگار ایلنا به گوش شهردار جدید تهران رساندند.

قباد شیوا:

گرافیک ایران هیچ موزه‌ای ندارد.

مسئله‌ای که خود من شخصا، چند دفعه در جاهای

سروس فرهنگ و هنر مستقل؛ پوستر نمایش چه کسی سهراب را کشت؟ به نوبسندهی و کارگردانی شهرام کریمی توسط مازیار تهرانی طراحی شده‌است. این نمایش تولید تازه گروه تئاتر شایا است که از ۲۱ شهریور امسال در سالن قشقای مجموعه تئاتر شهر روی صحنه می‌رود. در این نمایش شهرام کریمی همانند سایر آثارش خانواده و روابط میان انسان‌ها را در محوریت کار خود قرار داده است و این‌بار نمایشنامه چه کسی سهراب را کشت؟ با اقتباس از شاهنامه به نگارش در آمده و به بازخوانی معاصر داستان رستم و سهراب می‌پردازد. در این نمایش بازیگرانی چون بهرام شاه محمدلو، رویا افشار، فرید قبادی، سروش طاهری، حسین پورکریمی و آیان حسین آبادی حضور دارند. چه کسی سهراب را کشت؟ از ۲۱ شهریور هر روز ساعت ۱۹ در سالن قشقای تئاتر شهر اجرا خواهد شد

توصیه‌های قباد شیوا، علیرضا تغابنی و بهرام دبیری به شهردار تهران؛

تهران شهر بچه‌های گرسنه، بیمار و زباله‌گرد

ایمن را من از آنجا می‌گویم که یک طراح گرافیک هستم. این درخواست من از آقای شهردار جدید تهران است.

علیرضا تغابنی:

اول اجرای درست قوانین، دوم اصلاح قوانین فارغ از معماری، ابتدا باید مسئله فساد در شهرداری حل شود تا قوانین اول درست اجرا شود، و دوم اصلاح قوانین صورت بگیرد تا شهر از این مشکلاتی که دارد؛ بیرون بیاید.

در خصوص مسئله زیبایی‌شناسی و شهرسازی هم باید بگویم که در قسمت اصلاح قوانین، باید نقش معمارها بیشتر شود. باید از معماران به عنوان مشاور استفاده کنند. در حال حاضر، نقش معماران در این زمینه خیلی کم‌رنگ است.

بهرام دبیری:
باور نمی‌کنم که شهرداری هنوز، یک راهکار منطقی و اصولی برای جمع‌آوری و تفکیک زباله پیدا نکرده است

چیزی که در این سال‌ها، چشم‌انداز مرا به شدت

نرگس محمدی برنده سیب طلای دوسالانه تصویرگری براتیسلوا



آنا دنستینسکایا (روسیه)، ماکای آرای (ژاپن)، جی-مین کیم (کره جنوبی)؛ پلاک طلا: اومانا رومانیشین و اندری لیسوی (اکراین)، افرآ آمیت، اسرائیل بارون (مکزیک)، میررو کوماچیگی (ژاپن)، هانسه بارتهولین (دانمارک)؛ دیپلم افتخار ناشر برای دستاوردهای هنری: پیسی کوسی (هلند)؛ دیپلم افتخار ناشر برای توسعه نشر در

جایزه سیب طلای بیست و ششمین جشنواره تصویرگری براتیسلوا به نرگس محمدی رسید.

به گزارش ایلنا، نرگس محمدی این سیب را برای کتاب «من یک گوزن بودم» به قلم احمدرضا اکبرپور (نشر افق، ۱۳۹۴) دریافت کرده است.

این کتاب پیش از این، جایزه جشنواره تصویرگری سسی جی کره (۲۰۰۹) را به دست آورده بود و در نمایشگاه تصویرگری ایلوسترارته برتغال (۲۰۰۹) به نمایش درآمده بود.

جوایز براتیسلوا ۲۰۱۷ به این‌شرح احدا شد.

جایزه بزرگ: ودوینگ ولینا (هلند)؛ سیب طلا: نرگس محمدی (ایران)، دانیلا اولجنیکوا (اسلواکی)،

دیپلم افتخار: آنا دنستینسکایا (روسیه)، ماکای آرای (ژاپن)، جی-مین کیم (کره جنوبی)؛ پلاک طلا: اومانا رومانیشین و اندری لیسوی (اکراین)، افرآ آمیت، اسرائیل بارون (مکزیک)، میررو کوماچیگی (ژاپن)، هانسه بارتهولین (دانمارک)؛ دیپلم افتخار ناشر برای دستاوردهای هنری: پیسی کوسی (هلند)؛ دیپلم افتخار ناشر برای توسعه نشر در

جایزه بزرگ: ودوینگ ولینا (هلند)؛ سیب طلا: نرگس محمدی (ایران)، دانیلا اولجنیکوا (اسلواکی)،

نوید محمدزاده برای بسازی در فیلم «بدون تاریخ، بدون امضاء» جایزه بهترین بازیگری را از بخش «افق های نو» جشنواره ونیز گرفت. فیلم «بدون تاریخ، بدون امضاء» به کارگردانی وحید جلیلود و تهیه‌کنندگی علی جلیلود که در هفتاد و چهارمین جشنواره فیلم ونیز حضور دارد شانم‌ها ۱۸ شهریور ماه موفق شد در بخش «افق های نو» موفق حاضر شود. نوید محمدزاده بازیگر این فیلم هم که در چند روز اخیر نقدهای مثبتی درباره بازی وی در رسانه‌های خارجی منتشر شده بود جایزه بهترین بازیگری بخش «افق های نو» را از آن خود کرد.

او که جایزه خود را به مردم ایران تقدیم کرد در

سخنانی گفت: من افتخار می‌کنم که ایرانی هستم و همچنین خوشحالم که رخشان بنی اعتماد یکی از بهترین فیلمسازان تاریخ سینمای ایران در هیئت داوران این دوره از جشنواره ونیز حضور دارد.

در ادامه مراسم جایزه بهترین کارگردانی بخش افق های نو به وحید جلیلود برای فیلم بدون تاریخ بدون امضا رسید. پس از اعلای جایزه بهترین بازیگر مرد بخش افق‌های ونیز به نوید محمدزاده برای فیلم بدون تاریخ، بدون امضا، وحید جلیلود نیز برای کارگردانی این فیلم در بخش این بخش را برای سینمای ایران به ارمغان آورد.

بدون تاریخ، بدون امضا با فیلمنامه‌ای از علی زرنگار

نوید محمدزاده برای بسازی در فیلم «بدون تاریخ، بدون امضاء» جایزه بهترین بازیگری را از بخش «افق های نو» جشنواره ونیز گرفت. فیلم «بدون تاریخ، بدون امضا» به کارگردانی وحید جلیلود و تهیه‌کنندگی علی جلیلود که در هفتاد و چهارمین جشنواره فیلم ونیز حضور دارد شانم‌ها ۱۸ شهریور ماه موفق شد در بخش «افق های نو» موفق حاضر شود. نوید محمدزاده بازیگر این فیلم هم که در چند روز اخیر نقدهای مثبتی درباره بازی وی در رسانه‌های خارجی منتشر شده بود جایزه بهترین بازیگری بخش «افق های نو» را از آن خود کرد.

او که جایزه خود را به مردم ایران تقدیم کرد در

سخنانی گفت: من افتخار می‌کنم که ایرانی هستم و همچنین خوشحالم که رخشان بنی اعتماد یکی از بهترین فیلمسازان تاریخ سینمای ایران در هیئت داوران این دوره از جشنواره ونیز حضور دارد.

در ادامه مراسم جایزه بهترین کارگردانی بخش افق های نو به وحید جلیلود برای فیلم بدون تاریخ بدون امضا رسید. پس از اعلای جایزه بهترین بازیگر مرد بخش افق‌های ونیز به نوید محمدزاده برای فیلم بدون تاریخ، بدون امضا، وحید جلیلود نیز برای کارگردانی این فیلم در بخش این بخش را برای سینمای ایران به ارمغان آورد.

بدون تاریخ، بدون امضا با فیلمنامه‌ای از علی زرنگار

سخنانی گفت: من افتخار می‌کنم که ایرانی هستم و همچنین خوشحالم که رخشان بنی اعتماد یکی از بهترین فیلمسازان تاریخ سینمای ایران در هیئت داوران این دوره از جشنواره ونیز حضور دارد.

او که جایزه خود را به مردم ایران تقدیم کرد در

مستقل

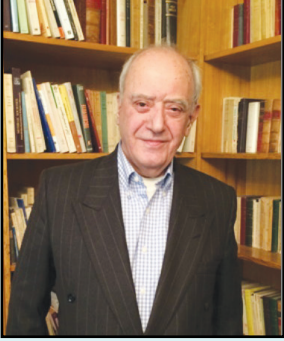
دوشنبه ۲۰ شهریور • شماره ۲۳۳۳

یاد

تیتراها گاهی آوار اندوه‌اند ...



الهام ربیسی‌فرد نیه – روزنامهنگار



دانشجوی علوم سیاسی که باشی و به‌خصوص گرایشت فلسفه سیاسی هم باشد درک این نکته برایت آسان‌تر است که ترجمه خوب ترجمه‌ای است که بتوان آثار بزرگ را به فارسی ترجمه کرد بدون آنکه فلسفه‌ای مستقل بنا کرد و ترجمه همانی باشد که با اصل کتاب بیشترین قرابت را داشته باشد. در میان اسامی مترجمان بزرگ فلسفه سیاسی نام بزرگ نادرزاد از نام‌هایی است که به بزرگی برده می‌شود و دریغ که همسفر قافله مرگ شد تا از شمار خرد یکن تک که خود هزار تن بود کم شود. بزرگ نادرزاد مترجم آثار فلسفی و حوزه فلسفه سیاست سال ۱۳۱۴ متولد شد. نادرزاد

تحصیلات خود را در تهران شروع کرد، در سوئیس در مقطع کارشناسی در زمینه ادبیات فرانسه ادامه داد و سپس در پاریس دکترا گرفت. مدتی در وزارت فرهنگ کار کرد و همزمان به نگارش مقالات و ترجمه‌هایی در حوزه‌های مختلف فکری پرداخت. قدیمی‌ترین اثر ترجمه‌ای وی رساله‌های است تحت عنوان آیین میترا (اثر مارتین رومازرن) که شاید اولین رساله کاملی باشد که درباره شقوق مختلف، مهر پرستی در قرون اول مسیحیت در اروپا منتشر شده است. این کتاب حدود ۲۵ سال قبل ترجمه و اولین بار توسط انتشارات دهخدا چاپ شد و بعدها نشر چشمه آن را تجدید چاپ کرد. کتاب بعدی تحت عنوان فلسفه فرهنگ اثر ارنست کاسیرر فیلسوف نوانگلی آلمانی بود. این اثر کوششی بود برای فهمیدن انسان از راه نرم یا هنجارهای فرهنگی که انسان به وجود آورده است. نرم‌های فرهنگی از هنرهای گوناگونش گرفته تا علوم گوناگون که انسان به وجود آورده تا ادیان گوناگون که انسان درباره اش تامل کرده است. کوشش ارنست کاسیرر در این کتاب معطوف به این است که انسان را از طریق صور فرهنگی فهم کند این کتاب توسط پژوهشگاه علوم انسانی چاپ شد و چاپ مکرر آن نیز توسط این پژوهشگاه صورت می‌گیرد. ترجمه قدرت سیاسی اثر نویسنده فرانسوی ژان ویلیام لاپیر است که در کتاب خود کوشش می‌کند، ماهیت قدرت و صورت‌هایی که قدرت به صورت دولت‌ها و رژیم‌ها در عالم پیدا می‌کند را به اختصار تحلیل کند. در این کتاب موجز، اما اساسی و مفید نویسنده به تعریف دقیق مضامین اصلی فلسفه سیاست نظیر صور قدرت سیاسی، امر حاکمیت و مرجعیت، امر مشروعیت، امر دولت، امر ملت و… می‌پردازد و در هر مورد با بررسی آراء و عقاید صاحب نظران تعریف‌های دقیق و سنجیده عرضه می‌دard. کتاب چهارمی که نادرزاد به ترجمه آن دست یازید، کتابی بود از شارل ورنر که استاد نادرزاد در دانشگاه ژنو بود. این نویسنده ۲ جلد کتاب، یکی در باب حکمت یونان و دیگری در خصوص فلسفه جدید دارد که نادرزاد جلد اول این کتاب(حکمت یونان) را در سال ۱۳۴۵ ترجمه و در سال ۱۳۴۷ منتشر کرد. این اثر سریی است در تاریخ فلسفه و مکتب‌های فلسفی و آرا و اندیشه‌های بزرگ فیلسوفان یونان که پیوند میان دستگاه‌های فلسفی گوناگون و رشد تکاملی آن‌ها را به روشنی باز می‌نماید. کتاب از فیلسوفان طبیعی ماقبل سقراط آغاز می‌شود و با فلسفه فلوپین پایان می‌پذیرد. در فصل آخر کتاب فلسفه یونان با فلسفه جدید مقایسه شده و طراوت و تازگی آن حکمت باستانی بازگو شده است. کتاب بعدی از نویسنده و متفکر فرانسوی به نام «آلن دو بنوا» است که رساله‌ای است تحت عنوان «تامل در مبانی دموکراسی» که نشر چشمه آن را چاپ کرد.کتاب دیگر رساله کوچکی درباره الکسی دو تو کوپل، جامعه شناس نامدار فرانسوی و نگاه جامعه‌شناسانه‌ای است که وی به جامعه آمریکا انناخته است این کتاب به همین نام دو تو کوپل منتشر شده بود. نویسنده این کتاب ژاک کتل هویر است. کتاب بعدی: گردآوری مجموعه مقالاتی ست به نام «در باب دموکراسی، تربیت، اخلاق و سیاست» که توسط چند نویسنده نوشته شده و نشر چشمه آن را منتشر کرده است. از مهم‌ترین فصل‌های این کتاب سلوک نجبا است. آخرین اثر ترجمه و منتشرشده نادرزاد، «فلسفه سیاست در جهان معاصر» اثر کریستیان دولاکامپانی است که نشر هرمس آن را به بازار کتاب عرضه کرده است.

بزرگ نادرزاد روز ۱۶ شهریور ۱۳۹۶ در بیمارستان گاندی در قانی را وداع گفت.

کتابخانه‌ای برای زندگی بهتر

دوست بازیافته ، یک شاهکار

- نویسنده: فرد اولمن
- ترجمه: مهدی سحابی
- انتشارات: ماهی

همیشه بر این باور بودم که شاکله و اصل یک داستان قوی در اولین سطر آن بسته می‌شود، اما همین الان بر این باور خط می‌کشم و از شما می‌خواهم دل به داستانی بدهید که تمام آن در یک خط آن هم آخرین سطر کتاب بیان می‌شود. داستان اصلی دوست بازیافته شاید به نظر بسیار ساده و معمولی بیاید، روایت دوستی پسر کی یهودی با یک اشراف‌زاده ذری. روایتی که شاید میلیون‌ها بار در ماجراهای مرتبط با جنگ جهانی به تصویر کشیده شده، ولی به راستی آن چیست که این اثر را از سایر روایات مرتبط متمایز می‌کند؟

درباره دوست بازیافته

قصه کوتاه آشنایی دو رفیق دبیرستانی که در این کتاب به تصویر کشیده شده را شاید بتوان مثل کوچک‌ترین قطعه یک پازل دانست، قطعه ای که در آن دو پسر دست در گردن هم دارند و با کامل شدن فضای دور و بر، صحنه‌های فاجعه بار جنگ جهانی دوم به تصویر کشیده می‌شود. و به راستی این قصه کوتاه همان قطعه پازل است، همین قدر جزئی و همین قدر گذرا. فرد اولمن در نوشتن چنین رمان کوچکی بسیار موفق بوده است؛ شاید از این رو که مانند همه نقاشان، خوب می‌داند چگونه جزئیات تصویری را که می‌خواهد بکشد، در چارچوب محدود بوم جا دهد، حال آنکه نویسندگان، متأسفانه، برای نوشتن تا بخوانند کاغذ در اختیار دارند. زبان و نحوه بیان روایت داستان به قدری موزون و آهنگین است که مخاطب حس می‌کند تمام تصاویر را در پاره ابری که سسی سال بعد از بالای سر روی به بیرون کشیده شده، می‌بیند، رویاگونه و خلسه وار، و در انتها، دوست بازیافته، قصه‌ای است که باید آن را خواند؛ درباره دورانی که جسدهای آدمیان را ذوب می‌کردند تا آن‌ها برای پاکیزگی نژاد برتر صابون بسازند، صدها کتاب بزرگ و قطور نوشته شده است. اما یقین دارم این کتاب کوچک برای همیشه جایی در کتابخانه‌ها از آن خود خواهد کرد.

قسمت‌هایی از متن کتاب دوست بازیافته

پدرم از صهیونیسم نفرت داشت. حتی فکر وجود چنین مشربی به نظرش احمقانه می‌رسید. بازخواهی سرزمین فلسطین پس از دو هزار سال به نظرش همان قدر بی‌معنی می‌رسید که مثلا ایتالیایی‌ها خواستن پس گرفتن آلمان باشند چرا که زمانی نیروهای روم باستان آن را اشغال کرده بودند. می‌گفت که تنها پیامد چنین ادعایی خونریزی دائمی است زیرا یهودیان باید با همه جهان عرب در افتند. و از این گذشته، بیت المقدس چه ارتباطی به او داشت که اهل اشتوتگارت بود؟ قضیه هیترل چیزی بیشتر از یک بیماری گذرا نیست. چیزی مثل سرخک است که با بهبود وضع اقتصادی کشور از بین خواهد رفت. واقعا فکر می‌کنید که هم‌میهنان کسانی چون گوته و شپلر، کانت و بتهوون تسلیم این مزخرفات خواهند شد؟ تنها چیزی که می‌دانستم این بود که آلمان همواره مهین و خانه من بوده و خواهد بود و یهودی بودنم در نهایت به همان اندازه بی‌اهمیت است که کسی به جای موی بور، موی خرمایی داشته باشد. در آغاز جرات نمی‌کردم دست به کار بشوم و چیزی بنویسم، چون بی پول بودم. اما اکنون که پولدار شده‌ام، جرات نمی‌کنم چیزی بنویسم، چون می‌ترسم نتوانم. اعتقادم این بود که پیش از گفت و گو با هر آلمانی باید درباره گذشته او مطمئن شد. از کجا معلوم که مخاطب شما دستش به خون دوستان و خویشان‌داناتان آلود نباشد؟

بیش از یک موسسه فروش کتاب باشد. رستمی می‌گوید: ما از سال‌ها پیش همواره کوشیده‌ایم از طریق برگزاری برنامه‌های مختلف دیالوگ و تبادل فرهنگی میان فرهنگ‌ها و مذاهب گوناگون را تشویق کنیم. ما بی‌وقفه نشست‌های کتابخوانی و بحث و گفت و گو درباره موضوع‌های مرتبط با سیاست جهانی را برپانم‌ریزی می‌کنیم و همین نکته ما را از سایرین متمایز می‌کند.

جلال رستمی در مصاحبه با رسانه‌های آلمانی از کتابفروشی به عنوان پهم بنزین روحی یاد کرده است. یک روزنامه آلمانی در مورد فعالیت‌های او نوشته است: در گذشته نه چندان دور او روی جهان شرقی سده‌های ۱۸ و ۱۹ میلادی تمرکز کرده بود. خودش می‌گوید: ما ارزش‌های ریشه‌ی را معرفی و از طریق ادبیات برگزیده، روی تفاوت‌ها و مشترکات کار کردیم. برای ما همواره این نکته مهم بود که مرزی مشخص با همه بنیادگرایان داشته باشیم.

روزنامه بنر آنسایرگر که در شهر بن آلمان منتشر می‌شود، درباره اعطای جایزه به رستمی نوشته است: رستمی گوران در سال ۱۹۹۴ کتابفروشی خود را در محله تانن یوش بن بنیاد نهاد. او که دارای فوق لیسانس کتابداری است، از سال ۱۹۹۸ کتاب‌های برگزیده را در محله برورزبرگ بن عرضه می‌کند. او هیجان زده است و می‌گوید: طبعاً دریافت جایزه باعث افتخار ما است و بر کار ما مهر تأیید می‌زند. در ادامه این گزارش آمده است: گوته و حافظ می‌خواهد

خود با سالن‌های دیگر برگزار کرده که با استقبال آلمانی‌ها و بعضا ایرانی‌ها مواجه شده است.

ده‌ها نویسنده، شاعر، فیلسوف و مورخ آلمانی و تعدادی از نویسندگان ایرانی تاکنون در این برنامه‌ها آثار و افکار خود را با ده‌ها تنی مبادله کرده‌اند که با علاقه زیاد در برنامه‌های فرهنگی گوته و حافظ شرکت می‌کنند.

مرکزی فراتر از کتابفروشی و انتشاراتی
روزنامه بنر آنسایرگر که در شهر بن آلمان منتشر می‌شود، درباره اعطای جایزه به رستمی نوشته است: رستمی گوران در سال ۱۹۹۴ کتابفروشی خود را در محله تانن یوش بن بنیاد نهاد. او که دارای فوق لیسانس کتابداری است، از سال ۱۹۹۸ کتاب‌های برگزیده را در محله برورزبرگ بن عرضه می‌کند. او هیجان زده است و می‌گوید: طبعاً دریافت جایزه باعث افتخار ما است و بر کار ما مهر تأیید می‌زند. در ادامه این گزارش آمده است: گوته و حافظ می‌خواهد

اعطا می‌شود که در کنار ارائه کتاب در زمینه مبادلات فرهنگی فعالیتی استثنائی داشته‌اند.

در سال جاری ۵۰۲ کتابفروشی آلمان برای دریافت جایزه معرفی شده بودند. هیئت ژوری از میان همه آن‌ها ابتدا ۱۷۷ کتابفروشی را شایسته نامزدی دریافت جایزه دانست و سرانجام سه کتابفروشی را برای دریافت آن برگزید که بنگاه انتشاراتی گوته و حافظ در میان آن‌ها بود.

گزینش گوته و حافظ از میان ۵۰۲ کتابفروشی آلمان سبب شد که رسانه‌های آلمانی به سراغ جلال رستمی گوران بروند که ظرف حدود ۲۰ سال گذشته با موفقیت این مرکز را اداره کرده است. گوته و حافظ در حال حاضر دارای دو شعبه در حومه‌های شهر بن است. فعالیت‌های کتابفروشی‌های بنگاه انتشارات گوته و حافظ به نشر و فروش کتاب خلاصه نمی‌شود. جلال رستمی در دو دهه گذشته صدها برنامه فرهنگی برپار در محل کتابفروشی‌های



یکی از جوایز سه گانه امسال کتابفروشان آلمان روز ۳۱ اوت امسال طی مراسمی در شهر هانوفر از سوی وزیر مشاور اداره صدراعظمی آلمان به جلال رستمی گوران مدیر بنگاه انتشاراتی و کتابفروشی گوته و حافظ در بن آلمان اعطا شد. این جایزه، از سه سال پیش به همت مونیکا گوتز وزیر مشاور اداره صدراعظمی آلمان هر سال به سه کتابفروشی در آلمان

در آستانه فرارسیدن هفتاد و هشتمین زادروز اکبر رادی آیین گشایش نخستین نمایشگاه اسناد تصویری آثار اسناد اکبر رادی در گالری تابستان خانه هنرمندان ایران با حضور هنرمندان عرصه تئاتر، سینما، تجسمی، ادبیات و مدیران فرهنگی برگزار می‌شود.

نخستین نمایشگاه اسناد تصویری آثار اکبر رادی در قالب عکس، پوستر و تصویر از روز دوشنبه ۲۰ شهریور ماه ۹۶ تا روز چهارشنبه ۲۹ شهریور ماه ۹۶ به مدت ده روز با دبیری ابراهیم حسینی در گالری تابستان خانه هنرمندان ایران برپا می‌شود.

بر اساس این گزارش، شورای سیاست‌گذاری این نمایشگاه (حمیده بانو عتقا، دکتر عطالله کویال، دکتر فریندخت زاهدی، آرش رادی، بهزاد صدیقی و ابراهیم حسینی) به منظور ارج نهادن به آثار هنری عکاسان و گرافیست‌ها و گردآوری آثار